



تفسیر «عرائس‌البیان»؛ محل تلفیق اندیشه و عمل عرفانی

تفسیر «عرائس‌البیان» از جنبه عملی و سیر و سلوکی یکی از مهم‌ترین متون عرفانی به شمار می‌آید و «روزبهان یقلی شیرازی» در این تفسیر، کوشش در خوری برای جمع بین اندیشه و عمل عرفانی از خود بروز داده است.

«روزبهان یقلی شیرازی» از عارفان بزرگ ایران در قرن ششم هجری است. او تا دو قرن پیش از وفات، از آوازه و اعتبار قابل توجهی برخوردار بود، اما پس از آن به دلیل دشواری یا دیربایی نوشته‌هایش، چنان که سزاوار او بود، شناخته نشد.

اندیشه‌های او بسیار انتزاعی است و او ذهنی به غایت، خیال‌پرداز داشته است. این چنین خصوصیتی، او را در قدرت تصویرگری بسیار توانا ساخته است و این همه، نوشته‌های او را به قول مؤلف «روح‌الجنان» - عبداللطیف بن‌صدرالدین روزبهان - با ویژگی غموضت و صعوبت مواجه ساخته است.

عشق زیباپرستی، زیربنای تفکر عرفانی اوست و به نظر او راه نیل به کمال منتها از این طریق میسر است. از میان شصت اثری که به نام نوشته شده، یکی هم تفسیر عرائس‌البیان است. شیخ روزبهان در این تفسیر عرفان ذوقی را به قلم آورده که معرفت بدان، می‌تواند راه‌گشای پژوهشگران در فهم بهتر و عمیق‌تر عرفان اسلامی و نیز چگونگی روش عارفان در مواجهه با قرآن باشد.

این عارف سترگ، که در فقه طریقه شافعی داشته و در کلام نیز قائل به اختیار ازلی و قضا علمی بوده است و تألیفاتی در زمینه‌های تفسیر قرآن، حدیث، فقه و تصوف از خود به یادگار گذاشته است. نوشته‌های او به ویژه تفسیر عرفانی او از قرآن مورد مطالعه قرار گرفته و خصوصا توسط گروهی از خوانندگان در سرزمین‌های عثمانی، آسیای مرکزی و در هند حفظ شده است.

جنبه مهم دیگر این تفسیر آن است که گرچه مباحث فنی و متافیزیکی فراوانی در این تفسیر عرفانی به چشم می‌خورد، اما بهره‌های وافر اخلاقی آن نیز کم نیست. به دیگر سخن، این تفسیر ا سیر و سلوکی یکی از مهم‌ترین متون عرفانی به شمار می‌آید

برخی آثار وی عبارتند از: در تفسیر: «لطائف‌الاشرات فی تفسیرالقرآن» و «عرائس‌البیان فی حقایق‌القرآن»، در فقه: «الموشح فی المذاهب‌الاربعة» و در اصول: «العقاید، کتاب الارشاد - کتاب المناهج» در میان آثار صوفیانه بازمانده او به غیر از تفسیر «عرائس‌البیان» از آثار زیر می‌توان نام برد: «کشف‌الاسرار» که ترجمه احوال روحانی شخصی او است به زبان عربی که در سال 577 هـ.ق نوشته شده است.

همچنین کتاب «منطق‌الاسرار» که مجموعه‌ای از شطحیات است، همراه با شرح اصطلاحات صوفیانه. شرح شطحیات که ترجمه و شرحی است از منطق‌الاسرار همراه با بخش‌هایی از کتاب «الطوسین حلاج»، در پاریس به اهتمام «هانری کربن» در سال 1913 چاپ شده است. «عبر‌العاشقین» که با مقالاتی در کتاب‌شناسی و شرح احوال او توسط «هانری کربن» و «محمد معین» در تهران در سال 1971 به چاپ رسیده است.

«شیخ شطاح» از چشمه‌های عرفان، شراب ناب نوشیده و چشم عنایت او پر شده و قلب او صیقلی شده است. او عارفی بود که چشم دل او جز جمال چیزی را نمی‌دید و در نتیجه در شیک عشق و محبت الهی گرفتار آمده است. یکی از محققان و عرفان پژوهان در مورد روش‌های سیر و سلوک عارفان چنین گفته است: «هر يك از مشایخ صوفیان بنیاد کار و طریقت خود را بر مبنای یکی از مقالات و پایداری در حقیق بدان یا سیر در یکی از احوال و مراقبت آن‌ها نهاده‌اند. چنان‌که بعضی سکر و عزلت و گروهی مراقبت باطن و دسته‌ای محبت و ایثار را اصل قرار داده‌اند و برخی از مشایخ راستین عشق و ولاء را پایه ترقی و کیمیای سعادت شمرده‌اند.»

روزبهان یقلی در طریقه عشق، ممتاز است و مکتب عرفای او مکتب عشق است. عشق در نظر او قدیم و قبل از عقل و روح دارای درجاتی است. عاشق با بقای معشوق حیات داشته و فنا نمی‌پذیرد و حدت بین عشق و عاشق و معشوق غایت سیر يك عارف فانی است. به باور روزبهان عشق اساس طریقت است و انکار آن بی‌حاصل بر این اساس، اگر عشق نبود وجود و هستی، تحقق نمی‌یافت. در منظومه تفکر عرفانی وی، عشق به جمال، نقشی محوری دارد. محقق اعتقاد او را در این زمینه تحلیل کرده است.

استعاره عروس یکی از تعبیرات اساسی برای تجربه عرفانی مکاشفته است. نگاه او به قرآن نیز در چارچوب چنین قاعده و نظامی قابل تفسیر است. عنوان تفسیر عرفانی او بر قرآن «عرائس‌البیان» یادآور برقع برافکندن عروس، به هنگام وصال (عاشق) است و این در حکم الگویی است برای ورود به حرم اسرار حق.

به نظر او قرآن کلام و امر آن موجود زیبایی مطلق یا مطلق زیبایی است. موسیقی، که تجلی آن حسن و زیبایی است، هم در عبارات و هم در محتوای کتاب وحی قابل مشاهده است. رؤیت و کاشفه‌های او براساس گزارش آثار وی، چون کشف‌الاسرار پرده از این زیبایی‌ها بر می‌گیرد.

استعاره عروس یکی از تعبیرات اساسی برای تجربه عرفانی مکاشفته است. نگاه او به قرآن نیز در چارچوب چنین قاعده و نظامی قابل تفسیر است. عنوان تفسیر عرفانی او بر قرآن در حکم الگو ورود به حرم اسرار حق

بدین‌سان تفسیر او عرائس‌البیان، کوششی است برای انعکاس این زیبایی‌ها و در پیوند با این زیبایی می‌توان گفت اسلوب عرائس در مقایسه با تفاسیر دیگر عرفانی، اسلوبی ویژه

است که ما در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت، اما در عین حال بنا به قول یکی از محققان باید بر این نکته تأکید ورزید که: «رگه‌های گران قدر عرفان در عرائس‌البیان درخشندگی خاص دارد و نشان دادن یکی، دو مورد از نمونه‌های عرفان در این تفسیر کارهای است بیهوده؛ زیرا صفحه‌ای از این تفسیر نیست که قرآن، عشق و پرسش را با زیبایی و هنر و عرفان در نیامیخته باشد.

چنان‌که گفته شد روزبهاں دو تفسیر داشته است: یکی به نام لطایف‌البیان فی تفسیرالقرآن که در آن اقوال مفسرانی هم‌چون «عبدالله بن عباس»، «ضحاک»، «قتاده»، «کلبی» و امثال ایشان را آورده و در آخر نیز قول خود را دیگری به نام عرائس‌البیان فی حقایق‌القرآن است. این تفسیر، تفسیری است عرفانی، اشاری و بر طریقه اهل تصوف که شیخ روزبهاں به زبان عربی آن‌را نوشته است.

در برخی متون تاریخی از این تفسیر با عنوان عرائس نام برده شده است. عرائس‌البیان تاکنون چاپ منقحی نیافته و آن‌چه موجود است دو چاپ سنگی که در کلکته و بمبئی به عمل آمده است و نسخه چاپی بمبئی هم از اوایل سوره انعام تا آخر قرآن در حاشیه «صفوة‌الصفا» «ابن‌بزاز» به چاپ رسیده است.

عرائس‌البیان قدیمی‌ترین تفسیر عرفانی برای قرآن است که مطابق عقاید صوفیان و مبتنی بر تأویل‌های ایشان است. روش روزبهاں در این کتاب چنان است که نخست آیه را می‌آورد و پس از آن رأی و گفتار خویش بیان کند و سپس به نقل گفتار بزرگان صوفیه پردازد در سرآغاز نام کتاب را آورده است. همه این تفسیر نزدیک 33600 بیت نوشته دارد. می‌توان بنیان تفسیر با تأویل روزبهاں را در این اثر عرفانی به یاد ماندنی، طریقه صوفیه و اقوال عارفان محسوب داریم. روزبهاں آبخشور یا شواهد تفسیری خود را در میان سخنان صوفیانی چون «جنید بغدادی»، «شبللی»، «سهل تستری»، «ابن‌عطاء آدمی»، «ابوبکر واسطیم»، «عبدالکریم قشیری»، «ابوسعید خراز»، «ابوعبدالرحمن سلمی»، «ذوالنون مصری»، «ابوعثمان معزی»، «نصرآبادی» و ... یافته است و از این بزرگان فراوان یاد کرده است. وی در مواردی نیز به سخنان امام علی(ع) امام صادق(ع) و امام رضا(ع) نیز استناد کرده است و آن‌ها را در تفسیر خود آورده است. تفسیر عرائس‌البیان به لحاظ تاریخی اهمیت دارد. این اثر عرفانی به دنبال ظهور تفاسیری چون «لطایف‌الاشارات» «قشیری» که از ارکان مهم تفسیر عرفانی محسوب است و نیز در امتداد حرکت غزالی در عرفان ظهور می‌یابد.

در عرائس‌البیان نوعی پیوستگی میان میراث عرفانی گذشته و آثار صوفیانه بعدی ملاحظه می‌کنیم. روزبهاں بقلی در تفسیر خود اقوال و نظریات مشایخ عرفان را تا زمان خود جمع و ضبط کرده است و این خود خدمتی بس بزرگ است به بیان دیگر می‌توان گفت این تفسیر در حکم نوعی دایرة‌المعارف اقوال عرفانی مشایخ این مکتب است. جنبه مهم دیگر این تفسیر آن است که گرچه مباحث فنی و متافیزیکی فراوانی در این تفسیر عرفانی به چشم می‌خورد، اما بهره‌های وافر اخلاقی آن نیز کم نیست. به دیگر سخن، این تفسیر از جنبه عملی و سیر و سلوکی یکی از مهم‌ترین متون عرفانی به شمار می‌آید. از همین روست که او طریقت «روزبهاویه» را تأسیس کرده و برای اهل‌الله رباطی ساخته است. مکانی که در آن سالکین و مریدان در آن به لحاظ تربیت مادی و معنوی مورد توجه واقع می‌شدند. روزبهاں عمر خود را در تربیت و تهذیب شاگردان خود سپری ساخته و در هدایت مریدان چنان‌که که نقل است به مدت 50 سال در مساجد شیراز به وعظ و پند پرداخته است و در جامع عتیق شیراز درس می‌گفته است.

بدین‌سان، باید گفت عرائس‌البیان از يك نگاه تفسیر عرفانی کاملی است که بنیاد آن عشق و وحدت است. مفسر آن برای سیر و سلوک روش و برنامه ارائه کرده که اصول و مبانی آن در این تفسیر فراهم آمده است. از این نظر شیخ روزبهاں در این تفسیر، کوشش در خوری برای جمع بین اندیشه و عمل عرفانی از خود بروز داده است.*
*منابع: پژوهشی در جریان‌شناسی تفسیر عرفانی، محسن قاسم‌پور، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری ثمین؛ تفسیر و مفسران، محمدهادی معرفت.